

مقاله پژوهشی: ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی با تأکید بر نقش

آن بر امنیت حقوقی در نظام بین الملل

عباس الواری^۱، بهروز جوانمرد^۲ مهدی فضلی^۳، حمیدرضا آدابی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

چکیده

جرائم مرتبط با فساد در نظام حقوقی ایران تنها معطوف به بخش دولتی بوده و در بخش خصوصی جرم‌انگاری نشده که نقش زیادی بر امنیت حقوقی آن‌ها در نظام بین‌الملل دارد. بر این اساس در این پژوهش ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی با تأکید بر نقش آن بر امنیت حقوقی در نظام بین‌الملل به عنوان هدف مطرح است.

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و با مقوله‌بندی اطلاعات نسبت به تجزیه و تحلیل آن‌ها اقدام شده است.

در نتیجه تحقیق می‌توان گفت جرم‌انگاری به عنوان یک موضوع مهم در حقوق کیفری و تأمین امنیت حقوقی در نظام بین‌المللی، معلول مبانی توجیهی خاص است. علل حقوقی نظیر خلاء‌های قانونی از جمله مهم‌ترین عوامل فساد در بخش خصوصی هستند، که اتخاذ هرگونه راهبرد پیشگیرانه در برابر آن، نیازمند توسعه قلمرو حقوق کیفری در این حوزه می‌باشد. مصادیق توجیهی ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی نقش مهمی در تأمین امنیت حقوقی در نظام بین‌المللی (مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان) ایفا می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: امنیت حقوقی- فساد- بخش خصوصی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌سناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) abas.alvari1402@gmail.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد صفادشت، دانشگاه آزاد اسلامی، صفادشت، ایران

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد ملارد، دانشگاه آزاد اسلامی، ملارد، ایران

^۴ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه خلاءهای حقوقی و قانونی از جمله مهم‌ترین علل بروز فساد در بخش خصوصی هستند که امنیت حقوقی را با مخاطره مواجه می‌سازند. علاوه بر این، بر مبنای نتایج همین تحقیقات و پژوهش‌ها؛ بی‌قانونی و هرج و مرج و به وجود آمدن رقابت ناسالم و ناعادلانه از مهم‌ترین پیامدهایی هستند که مرتبط با لزوم توسعه قوانین کیفری در بخش خصوصی می‌باشند. همچنین، بررسی مصادیق جرایم مرتبط با فساد در نظام حقوقی ایران (نظیر رشوه، اختلاس، سوءاستفاده از قدرت و ...) نشان می‌دهد، که اولاً؛ جرم‌انگاری تنها محدود به بخش دولتی شده و بخش خصوصی را در بر نمی‌گیرد. ثانیاً؛ این جرم‌انگاری در موارد یاد شده به صورت ناقص انجام شده و تمامی مصادیق، مورد تصریح مقنن قرار نگرفته است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که جرم‌انگاری و اصلاح قوانین و مقررات جاری نیازمند اصلاح قوانین و توسعه قوانین کیفری است، اما قبل از هرگونه اقدام برای جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی و اصلاح قوانین باید مبنای این جرم‌انگاری تبیین شود. یکی از سازوکارهای مهم در عرصه سیاست جنایی، جرم‌انگاری است که به موجب آن قانون‌گذار به منظور حمایت از نظم عمومی و ارزش‌های اخلاقی، برخی رفتارها را جرم‌انگاری می‌نماید. جرم‌انگاری فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع و برای آن ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند (آقابابایی، ۱۳۹۶: ۱۱). و یا فرایندی است که به موجب آن، قانون‌گذار یا هر نهاد مقتدر دولتی با در نظر گرفتن هنجارهای اساسی اجتماع و تکیه بر مبانی نظری قابل قبول با توسل به کیفر برخی از رفتارهای مخل نظم اجتماعی را شناسایی و ممنوع می‌کند و بدین‌سان با این امر آزادی آدمیان را تحدید می‌نماید (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۴۰۱: ۹۰).

جرم‌انگاری عملی سنجیده و برخاسته از خرد جمعی است و شکل‌گیری آن نیازمند اصول و ضوابطی است. بر این اساس، فرآیند جرم‌انگاری نیازمند موجه‌سازی است و نظریه پردازان حقوق کیفری کوشیده‌اند اصولی را در جهت توجیه عقلانی فرآیند جرم‌انگاری روایت کنند. لذا آن‌ها به علومی همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و فلسفه

اخلاق متوسل می‌شود. تبیین ملاک‌های مورد پذیرش جرم‌انگاری در نظام‌های حقوقی متفاوت است چرا که در روند جرم‌انگاری، با یک اصل و ملاک روبرو نیستیم، بلکه ملاک‌ها و اصول متعددی به نوبه‌ی خود در فرآیند جرم‌انگاری ایفای نقش می‌نمایند. بنابراین در توجیه جرم‌انگاری یک رفتار، ممکن است چند ملاک، مد نظر قانون‌گذار باشد نظیر حفظ کرامت انسانی، حمایت از ارزش‌های اخلاقی، نفی ضرر، حفظ مصالح اساسی، برقراری نظم اجتماعی و اجرای عدالت کیفری و ...

همچنین امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است که در تمامی نظام‌های حقوقی مورد استناد قرار می‌گیرد. ریشه‌ی این اصل به ویژگی‌هایی از نظام حقوقی مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی باز می‌گردد (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۶). از جمله مسائلی که منجر به خدشه دار شدن و ضعف در امنیت حقوقی می‌گردد فساد در اشکال مختلف آن می‌باشد. عطریان (۱۳۹۶) در بررسی عوامل موثر بر امنیت حقوقی به جرایم مرتبط با فساد مالی و عدم جلوگیری از آن‌ها و ضعف در قوانین برای مبارزه با این جرایم اشاره می‌کند. فساد مالی از جمله معضلاتی است که از قدیم‌الایام در سطوح مختلف و با درجات متفاوت در اغلب کشورها وجود داشته است. انجمن بین‌المللی حقوق کیفری در سال ۲۰۰۴ فساد مالی را سوءاستفاده از اختیارات در تبادل یک امتیاز تعریف کرده است. فساد و تعریف آن تابعی از هنجارهای مورد قبول در هر جامعه و فرهنگ می‌شود، لذا از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. فساد هر چند ممکن است جنبه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و اقتصادی داشته باشد، اما در جنبه اقتصادی، نتایج محسوس‌تری به دنبال داشته و ارتباط جدایی ناپذیری با جرایم اقتصادی دارد که می‌تواند پایه‌های اقتصادی یک دولت را سست و حاکمیت یک کشور را با چالش جدی مواجه نماید. از همین‌روست که در مقدمه کنوانسیون مبارزه با فساد، فساد تهدیدی علیه ثبات سیاسی و توسعه پایدار معرفی شده است (تانزی، ۱۳۸۷: ۲۲۱). همچنین فساد و مبارزه با آن با توجه به نقش آن در امنیت حقوقی امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به عنوان یک مسئله اساسی در بخش خصوصی و عمومی مورد نظر است. از سوی دیگر آنچه به عنوان دغدغه محقق

مطرح است این می‌باشد که با توجه به پیر رنگ‌تر شدن نقش بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی و غیره کشور، بستر بروز فساد در بخش خصوصی مهیا گشته است. از این رو توجه بیشتر به پیشگیری و مبارزه با فساد در بخش خصوصی بیش از گذشته اقتضا دارد در حالی که قلمرو جرایم مرتبط با فساد در نظام حقوقی ایران مرتبط با بخش عمومی بوده و به بخش خصوصی توجه نشده است و این می‌تواند منجر به ایجاد مخاطره برای امنیت حقوقی کشور باشد. از جمله جرایم بخش خصوصی در جنبه‌های اقتصادی می‌توان به جرایم مالیاتی اشاره کرد که دولت‌ها معمولاً با این جرم فرار مالیاتی شرکت‌ها و بخش خصوصی درگیر هستند. از دیگر جرایم بخش خصوصی در جنبه‌های اقتصادی می‌توان به جرایم زیست محیطی اشاره کرد که به سوء استفاده از محیط طبیعی و مابع آن برای درآمدزایی و تخریب جنگل‌ها و مراتع و آسیب به محیط زیست اشاره کرد. همچنین جرایمی مانند عدم رعایت مراتب قانونی در استخدام، عدم پرداخت بیمه و حقوق کامل کارکنان، عدم رعایت شرایط حقوق بین‌المللی کار و درآمد زایی و ... از جمله جرایم بخش خصوصی در جنبه‌های اقتصادی هستند. مسئله مهم دیگری که در ارتباط با توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی نیاز به بررسی دارد مطالعه سیاست جنایی تقنینی در جمهوری اسلامی ایران در مقابله با فساد در بخش خصوصی و نقش آن در تأمین امنیت حقوقی است. با بررسی‌های اولیه مشخص شد که نظام حقوقی ایران فاقد سیاست جنایی منسجم و یکپارچه در مبارزه با فساد حتی در بخش دولتی می‌باشد، بدیهی است که در خصوص بخش خصوصی که نوظهور می‌باشد این وضعیت به مراتب سردرگم کننده‌تر باشد. نقش و هدف اصلی سیاست جنایی در یک جامعه، کنترل موثر بزهکاری و مهار پدیده‌های مجرمانه آن جامعه می‌باشد. بنابراین مسئله اصلی تحقیق این چنین مطرح است: مبانی توجیهی ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی کدامند و چه نقشی بر امنیت حقوقی ایران در نظام بین‌الملل دارند؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. همچنین با توجه به روش تحقیق، اطلاعات مورد نیاز تحقیق با مراجعه به منابع و مأخذ علمی شامل کتب، مجله‌ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها، اسناد و نشریات حقوقی همچنین پایگاه‌های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر و پایان‌نامه‌ها گردآوری گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار فیش و تکنیک فیش‌برداری استفاده و در مرحله فیش‌برداری از تکنیک مأخذگذاری به روش علمی و مستندسازی استفاده شد. با توجه به نوع تحقیق و روش آن، جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده به وسیله اسناد و مدارک دست اول با فیش‌برداری و بهره‌گیری از درگاه‌های اینترنتی معتبر بوده است.

همچنین با توجه به اینکه نوع روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بوده، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل موجود پرداخته و از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری و پیشینه تحقیق و دست‌بندی و مقوله‌بندی اطلاعات و با توجه به اطلاعات گردآوری شده به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته است.

۳-پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی‌های انجام شده مرتبط با عنوان تحقیق پژوهش‌های زیر در داخل و خارج از کشور صورت پذیرفته است:

جلالی و همکاران در سال ۱۳۹۹ تحقیقی را با عنوان « قلمرو انطباق رویکرد قانونگذار ایران با مقررات متحدالشکل مقابله با فساد در کنوانسیون مریدا» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده تحت تاثیر پدیده جهانی شدن و آثار و پیامدهای آن، فرصت‌های تازه‌ای برای بزهکاران پدید آمده و اشکال نوینی از بزهکاری ظهور و توسعه یافته است که برای صلح، امنیت، ثبات و توسعه پایدار جامعه بشری و حاکمیت قانون، تهدید به‌شمار می‌آید. جرایم ملی، ماهیتی بین‌المللی به خود می‌گیرد و به مرور به جرایم بین‌المللی تبدیل و مبارزه با آن صرفاً با همکاری بین‌المللی میسر می‌شود. به همین منظور و با توجه به احساس مشترک و

نگرانی‌های جامعه جهانی، موضوع مقابله با فساد در سازمان ملل متحد، مسئولیتی بین‌المللی تلقی و به‌طور رسمی و صریح از سال ۱۹۷۵ با تصویب قطعنامه‌ای در مجمع عمومی آغاز شد. موضوع تصویب کنوانسیون مستقل برای مبارزه علیه فساد در قطعنامه شماره ۵۵/۶۱ مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۰ مجمع مطرح شد که نتیجه آن تشکیل «کمیته کارشناسی» در دبیرخانه دفتر پیشگیری از جرم و کنترل مواد مخدر در سازمان بود که در نهایت به تصویب کنوانسیون مبارزه علیه فساد در قطعنامه ۵۸/۴ مجمع در تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ و در تکمیل کنوانسیون آن سازمان در مورد مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۳ منجر شد. تصویب نهایی کنوانسیون در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای اصل ۱۱۲ قانون اساسی ج.ا.ا انجام پذیرفت. این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون، تعارض اساسی بین اصول نظام حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل مبارزه با فساد وجود ندارد و ایران موظف به تطبیق بیشتر حقوق داخلی با اهداف کنوانسیون در حوزه پیشگیری، جرم‌انگاری، مبادله اطلاعات، تعقیب و مجازات و مبارزه ضد فساد از طریق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در بخش‌های خصوصی و دولتی است.

همچنین در سال ۱۳۹۸ ابراهیمی و صادق نژاد تحقیقی را با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی مرتبط با فساد در بخش خصوصی» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده‌اند که امروزه به جرم اقتصادی مشهور شده است، متضمن لطمه شدید به نظام اقتصادی هر کشور و نیز نظام اقتصادی بین‌المللی یعنی چرخه تولید، توزیع، حمل و نقل، مصرف و پول است. لذا سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نیز در دهه اخیر در این خصوص، سیاست جنایی افتراقی با گرایش سختگیرانه پیشینی کرده‌اند. از آنجاییکه مصادیقی از این جرایم مانند پولشویی و جرایم زیست محیطی جنبه جهانی پیدا کرده‌اند، به نظر می‌رسد که نظام حقوقی کشورهای مختلف در پرتو معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون مریدا، به سمت نوعی همگرایی در پیشگیری و مبارزه با این گونه بزهکاری گام بر میدارند. این رویکرد، چه در بعد جرم‌شناختی و چه در بعد کیفری، از چند سال پیش به این سو، در گفتمان مسئولان قضایی، اجرایی و تقنینی کشور، به‌ویژه در

قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به دلیل تمرکز بر پیشگیری وضعی - فنی، قانون مجازات اسلامی، به دلیل خارج ساختن این جرایم از شمول تعویق، تعلیق و مرور زمان و نیز قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مشهود است.

ارضی فر و رضایی (۱۳۹۹) تحقیقی را با عنوان « بررسی تاثیر جرایم مرتبط با فساد اقتصادی بر توسعه اقتصادی و امنیت کشور» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده‌اند فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کند شدن رشد اقتصادی، و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در هر کشور می‌شود، درآمدهای مالیاتی را کاهش می‌دهد، کیفیت زیرساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی را تنزل می‌دهد. اساسی‌ترین سیاست‌های مبارزه با فساد اقتصادی و اصلاحات اقتصادی شامل ایجاد نهادهایی بدین منظور، افزایش دستمزدهای بخش عمومی، کاهش اندازه دولت در اقتصاد، حسابرسی مالی دقیق، استقلال رسانه‌های ارتباط جمعی، استقلال دستگاه قضایی، مشارکت شهروندان، تمرکززدایی و اصلاح فرهنگ جامعه است که می‌تواند در اقتصاد کشور پویایی ایجاد نماید و در نهایت باعث رشد و شکوفایی در اقتصاد ملی شود. سازمان‌های جهانی پدیده فساد مالی و سیاسی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مدیریت دولتی و مانعی بزرگ برای توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. هر چه بر میزان فساد اقتصادی و سیاسی در جوامع در حال توسعه افزوده می‌شود، امنیت ملی بیشتر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. فساد سیاسی و اقتصادی از بزرگترین موانع توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه هستند.

جمع‌بندی پیشنهادی پیشنهادی تحقیق

براساس بررسی‌های انجام شده و پژوهش‌های پیشین ارائه شده می‌توان گفت در تحقیقات داخلی بیشتر به موضوعاتی نظیر انطباق قانون‌گذار ایران با مقررات مانند کنوانسیون مریدا در سطح بین‌المللی و بحث جرایم اقتصادی مرتبط با فساد در بخش خصوصی و همچنین نقش این جرایم در توسعه اقتصادی کشور پرداخته شده است و کمتر به ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی پرداخته شده است. همچنین در هیچ یک از تحقیقات داخلی و حتی در تحقیقات خارجی به‌صورت مستقیم به امنیت حقوقی در

نظام بین‌الملل و نقش جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی در آن پرداخته نشده است و این یک نوآوری پژوهشی در این حوزه است. ابعاد فساد در تحقیقات داخلی احصاء گردیده ولی به این ابعاد در بخش خصوصی و جرم‌انگاری آن کمتر پرداخته شده است.

۴- ادبیات تحقیق

امنیت حقوقی

سرشت دوگانه‌ی عینی و شخصی امنیت حقوقی دربرگیرنده‌ی قواعدی است که به مثابه معیارهایی جهت حمایت از حقوق عینی مطروحه در قوانین هستند، و از سوی دیگر، در برگیرنده‌ی قواعدی نیز می‌باشد که متضمن معیارهایی به منظور تضمین حق‌های شخصی شهروندان است. بنابراین، در یک تحلیل کلی، این اصل می‌تواند هم زمان منبع حقوق عینی و حقوق شخصی باشد (فرومنت، ۲۰۱۸: ۱۷۸). اصل امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است که در تمامی نظام‌های حقوقی مورد استناد قرار می‌گیرد. ریشه‌ی این اصل به‌ویژگی‌هایی از نظام حقوقی مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی باز می‌گردد (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۶).

اصل امنیت حقوقی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نظر به اهمیت آن به گونه‌ای صریح در قوانین اساسی مطرح شده است و در قالب هنجار قانون اساسی بدان عمل می‌شود. در این رابطه، بند ۳ ماده ۹ قانون اساسی اسپانیا به صراحت اصل امنیت حقوقی را ذکر و تضمین نموده است. در مقابل، بیشتر قوانین اساسی به این اصل اشاره‌ای صریح ندارند. قوانین اساسی پرتغال، ایالات متحده آمریکا و فرانسه مثال‌های جالب توجهی در این زمینه به‌شمار می‌روند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از محدود قوانین اساسی می‌باشد که اصل امنیت حقوقی به صراحت در آن تضمین شده است بند ۱۴ اصل ۳ این قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را تامین حقوق همه جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر

قانون می‌داند. در گستره‌ی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مدعای ما این است که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت انسانی را در مفهومی گسترده تضمین نموده است. این اصل حوزه‌های گوناگونی زمینه‌ی برخورداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین را در برمی‌گیرد. در اصل ۲۲ حریم خصوصی (شامل مسکن)، امنیت حقوقی (تضمین حقوق) و امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی) در کنار یکدیگر از سوی قوه مؤسس تضمین شده‌اند. بدین ترتیب، در اصل ۲۲ مصادیق گوناگون امنیت در قالب زیر مجموعه‌های امنیت انسانی گرد هم آمده‌اند. با توجه به قلمروی گسترده‌ی امنیت انسانی، در چارچوب اصل ۲۲ حوزه‌های ذیل را می‌توان برشمرد:

الف. امنیت شخصی: این امنیت از دو بعد قابل بررسی است: امنیت مادی و معنوی شهروندان. در نوع نخست، این قلمرو مفهوم مضیقی از امنیت انسانی است که تنها حفظ جان و مال او را در بر می‌گیرد. دو واژه‌ی «جان» و «مال» مذکور در اصل ۲۲ در این قلمرو تضمین می‌شوند. بنابراین در تفسیری موسع تمامیت جسمانی شهروندان یا اموال آنان در مقابل هر آنچه که این موارد را در مخاطره افکند تضمین می‌شود. در نوع دوم از امنیت شخصی، مفهوم این نوع امنیت اندکی تعمیم داده شده است و امنیت معنوی یا روانی شهروندان را نیز پوشش داده است. واژه «حیثیت» در اصل ۲۲ بر تضمین این جنبه از امنیت شخصی دلالت می‌کند. در قوانین اساسی مدرن، این تعمیم اصل ۲۲ در نوع خویش گامی بسیار مهم قلمداد می‌شود (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۸).

ب. حریم خصوصی: اگر تضمین حریم خصوصی را بخشی از امنیت شخصی تلقی نکنیم، به نظر می‌رسد، در کنار امنیت شخصی دومین بخش از زندگی شهروندان است که توسط اصل ۲۲ مورد حمایت قرار گرفته است. در اصل ۲۲، واژه‌ی «مسکن» بر تضمین این جنبه‌ی مهم از حق‌های شهروندی دلالت می‌کنند.

پ. امنیت حقوقی: دقت در ادبیات اصل ۲۲ نشانگر آن است که امنیت حقوقی و امنیت انسانی با یکدیگر تفاوت دارند و در واقع امنیت حقوقی بخشی از امنیت انسانی در مفهوم موسع قلمداد می‌شود. تامل در مفاد اصل مذکور نیز صحت این تفسیر را می‌نمایاند: واژه‌ی «حقوق» در این اصل بیانگر آن است که حق‌های شهروندان از تعرض مصون هستند و

این دقیقاً همان غایت امنیت حقوقی است. در این عرصه، حق‌های مکتسبه افراد در کنار اصولی که متضمن حفظ وضعیت حقوقی شهروندان هستند مانند اصل عطف به‌سابق نشدن قوانین، اصل شفافیت قوانین زیرمجموعه‌های امنیت حقوقی را تشکیل می‌دهند.

ت. امنیت قضایی: گرچه امنیت قضایی شهروندان در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت تضمین شده است اما به نظر می‌رسد که با تفسیر موسع واژه‌ی «حقوق» در اصل ۲۲ مبنای مکمل دقیق‌تری را نیز می‌توان برای آن یافت. از این روی، تفسیر موسع امکان استنتاج حق‌های گوناگون شهروندان را در فرآیند دادرسی در قالب امنیت قضایی فراهم می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد، اصل ۲۲ قالب بسیار وسیعی را با عنوان «امنیت انسانی» ارائه نموده است که در نظامی منطقی در اصول بعدی جنبه‌های گوناگون آن مقرر می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۰: ۳۱۲).

گستره‌ی اعمال اصل امنیت حقوقی

در این مقوله، از سویی افرادی قرار دارند که می‌توانند به این اصل و اصول مربوط بدان، به منظور حفظ حق‌های خویش، استناد نمایند. از سوی دیگر نیز، نهادهای عمومی قرار دارند که در اعمال صلاحیت‌های خویش (قانون‌گذاری یا اعمال اجرایی) باید این اصل را مدنظر قرار دهند. همچنین مسئله‌ی بهره‌مندان از اصل امنیت حقوقی، در وهله‌ی نخست، به ارزیابی این اصل باز می‌گردد. اگر امنیت حقوقی به عنوان یک حق شهروندی شخصی تلقی گردد، افراد می‌توانند نه تنها در مقابل حکومت، که در مقابل افراد دیگر نیز بدان استناد نمایند. در مقابل اگر امنیت حقوقی به عنوان اصل راهنما تلقی شود، افراد نمی‌توانند در حیطه‌ی اختلاف‌های خویش بدان استناد نمایند. اما در این فرض، اصل امنیت حقوقی در چارچوب اختلاف‌های عینی (اختلاف‌هایی که افراد در دو سوی آن قرار ندارند و در واقع شخصی نیستند) و به‌ویژه در چارچوب صیانت از قانون اساسی بسیار راه گشا است (متیوئی، ۲۰۱۷: ۱۷۵). به نظر می‌رسد که هر دو جنبه‌ی مورد بحث، در راستای افزایش بازدهی این اصل، واجد اهمیت فراوانی باشند و باید بین اصول فرعی ناشی از این

اصل تفکیک قائل شد. برخی از این جنبه‌ها، مانند عطف بماسبق نشدن قوانین، بی‌تردید اصل کلی حقوقی قلمداد می‌شوند و باید توسط مرجع صیانت از قانون اساسی مورد حمایت قرار گرفته و تضمین شوند. برخی نیز، مانند اصل ثبات روابط قراردادی و تضمین حق‌های مکتسبه، توسط اشخاص در روابط حقوقی بین شهروندان قابلیت استناد دارند. در سوی دیگر نهادهایی وجود دارند که ملزم هستند اصل امنیت حقوقی را رعایت نمایند. مانند آنچه در مورد بهره‌مندان از این اصل مورد بحث قرار دادیم، اگر این اصل را اصلی عینی یا غیر شخصی تلقی نماییم، طبیعی است که قانون‌گذار و نهادهای مجری قانون باید این اصل را رعایت نمایند. با این وجود، می‌توان اشخاص حقوق خصوصی را نیز مشمول این اصل دانست (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۲۴).

تعریف فساد

ریشه واژه فساد در لاتین «رومپر»^۱ به معنای «شکستن» است. ریشه لغت «کارپشن»^۲ از فعل لاتین «کرپوس»^۳ به معنای «شکستن چیزی» آمده است. فساد در اصطلاح؛ بیرون رفتن از حد اعتدال است که با سوء استفاده از امکانات و منابع عمومی در جهت کسب منافع شخصی تبلور می‌یابد. فساد از لحاظ حقوقی، رفتار منحرف شده از ضوابط و وظایف رسمی یک نقش عمومی است که بنا به ملاحظات خصوصی یا ملاحظات قومی و منطقه‌ای (هیود، ۲۰۰۲: ۴۷۵) رخ می‌دهد و معمولاً برای موضوعاتی نظیر حکومت‌های فاسد و فقیر (رزاکرمن؛ ۲۰۰۲: ۱) و اعمالی که از دستگاه‌های فعال آن‌ها سر می‌زند، به کار می‌رود. بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) می‌دانند. این تعریف مورد توافق عمومی در جهان است. طبق تعریف دیگر، فساد عبارت است از عمل یا تصمیمی که

^۱Rumper

^۲Corruption

^۳Corruptus

^۴Razakerman

موجب شود تا خارج از ضوابط قانونی، تعداد افراد متأثر از نتایج منفی عمل یا تصمیم، از تعداد افراد برخوردار از نتایج مثبت آن بیشتر باشد (عباس‌زادگان، ۱۳۹۵: ۱۵).

در نظام حقوقی ایران بر خلاف اسناد بین‌المللی که تعریفی از فساد ارائه نمی‌دهند، تعریف و مصادیق غیرحصری آن‌ها را نام برده است. مقنن در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، فساد این‌گونه تعریف می‌کند: «فساد در این قانون هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمدتاً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید. نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی.» همچنین برخی از صاحب‌نظران فساد را در گسترده‌ترین تعریف، سوءاستفاده از منصب عمومی در راستای منافع شخصی بیان کرده‌اند این تعریف ساده ادبیات فساد و ضد فساد کم و بیش پذیرفته شده است. اس ون سن^۱ نیز فساد را بازتابی از عملکرد نهادهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور دانسته است (جعفرپور، ۱۳۹۴: ۲۲). در زمینه فساد مالی نیز تعاریف متعددی مطرح شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مفاسد مالی پدیده‌هایی هستند که عملکرد صحیح اقتصادی یک جامعه را دچار خلل می‌کنند و به تعبیر اقتصادی، نشی اقتصاد در سطح کلان محسوب می‌شوند. فساد مالی (اقتصادی) نقص قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. سطح بالای فساد اقتصادی موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی. فساد اداری نیز دارای تعاریف مختلفی است. مولف ترمینولوژی حقوق، فساد اداری را در قالب مصادیق آن تعریف کرده و مقصود از آن را غالباً ارتشاء و اختلاس، کارشکنی و تعلل در امور ارباب رجوع دانسته‌اند

^۱Sven sen

عده‌ای معتقدند؛ فساد اداری در مفهوم کلی خود یعنی زیر پا نهادن ضوابط و استفاده‌ی غیرقانونی از اختیارات اداری برای نفع شخصی است. به عبارت دیگر فساد اداری عبارت است از استفاده‌ی غیر قانونی از اختیارات اداری که می‌تواند دارای انگیزه شخصی یا گروهی با منشا مادی یا غیرمادی باشد (محمدنبی، ۱۳۸۰: ۱۰).

تعریف بخش خصوصی

در مورد تعریف بخش غیر دولتی نیز گفته شده است: «قانون محاسبات عمومی (مصوب ۱۳۶۶/۱) برای اولین بار در ماده ۵ خود، اقدام به تعریف این مؤسسات نمود. بر طبق این ماده، «مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون و به‌منظور انجام وظایف یا خدماتی که جنبه عمومی دارند تشکیل می‌شوند». در تبصره این ماده، تهیه فهرست این مؤسسات و نهادها پیش‌بینی گردید. در هر حال با عنایت به قوانین و مقررات جاری بخش خصوصی مشتمل بر دو بخش تعاونی و خصوصی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۴۴، بخش تعاونی را به عنوان یکی از پایه‌های مستقل نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران معرفی کرده است. تشکیل‌دهندگان و اداره‌کنندگان شرکت‌های تعاونی اصولاً «اشخاص خصوصی» هستند. از این رو، بخش تعاونی از آن جهت که اعضای آن افراد هستند، بخشی از مالکیت خصوصی محسوب می‌شود؛ بنابراین، بخش تعاونی اعم از تولید، توزیع، مصرف، اعتبار، مسکن و سایر تعاونی‌ها با عنایت به خصوصیات و مشخصاتی که در قانون تصریح گردیده، جزء بخش خصوصی طبقه‌بندی می‌شوند. همان‌طور که بیان شد در قانون اساسی و سایر قوانین جاری تعریفی از بخش خصوصی به‌عمل نیامده و تنها به ذکر مصادیق بخش خصوصی بسنده شده است. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش خصوصی «شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.» بدین ترتیب، قانون اساسی اولویت را برای بخش‌های دولتی و تعاونی در نظر گرفته و بخش خصوصی را صرفاً در محدوده بخشی کوچک و به عنوان مکمل سایر بخش‌ها به رسمیت شناخته است (دبیرزاده، ۱۳۹۸: ۶).

مبانی توجیهی ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی

بند اول: توجیه جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی بر مبنای کرامات انسانی یکی از راهکارهای حفظ کرامت، جرم‌انگاری رفتارهای ناقض حفظ کرامت انسانی است که مبتنی بر مبانی چندگانه‌ی اصل ضرر، اخلاق‌گرایی، پدرسالاری و قاعده‌ای بسیار مهم تحت عنوان قاعده فقهی کرامت می‌باشد. این اصول و مبانی قانون‌گذاران را از جرم‌انگاری دل‌بخواه و گسترده رفتارها منع و آنان را ملزم می‌کند تا جرم‌انگاری را به مواردی محدود سازند که یک رفتار، صدمه و سرزنشی شدید و یا قبح اخلاقی شدید در پی دارد. هر جرم‌انگاری نوعی مداخله و ایجاد محدودیت فراروی حقوق و آزادی‌های افراد است. لذا در حقوق کیفری کرامت‌محور که پاسداری از حرمت و کرامت افراد، دل‌مشغولی سیاست‌گذاران کیفری است، در هر مورد از جرم‌انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد وجود داشته باشد که بر مفسده ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی‌ها چیرگی داشته باشد. فساد در بخش خصوصی نیز از منظر هدف قرار دادن کرامات انسانی هیچ تفاوتی با سایر بخش‌ها ندارد. بنابراین فساد در این بخش نیز در مصادیق مختلف خود از جمله ارتشاء در بخش خصوصی، اختلاس در بخش خصوصی، تصرف غیرقانونی اموال بخش خصوصی و ... ناقض کرامات انسانی بوده که مداخله قدرت عمومی برای مقابله با آن ضروری است (مسرور و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۶۸).

بند دوم: توجیه جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی بر مبنای تئوری لاضرر قاعده لاضرر از معروف‌ترین قواعد حقوق اسلام است که در طول تاریخ فقه نظرات مختلفی پیرامون مفاد و آثار آن ارائه شده است. دلیل لاضرر از دلایل عام و مهم در فقه است. این دلیل از احکام ثانوی است که موجب می‌شود در بسیاری از موارد، موضوع احکام اولیه ادعائاً از بین برود. این قاعده بیشتر در بخش حقوق مدنی مطرح می‌شود (عادل، ۱۴۰۰: ۵۶). فساد در همه بخش‌ها و توسط هر شخصی با عمومات قاعده لاضرر همخوانی ندارد. در تفسیر واژه «ضرار» در قاعده لاضرر گفته شده: «ضرار مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از یک حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروزی از چنین مواردی به سوءاستفاده از حق تعبیر می‌شود» (حاجی ده

آبادی، ۱۳۸۹: ۱۶۱). همچنین در تفسیر قاعده لاضرر گفته شده (قاعده لاضرر) مفید آن است که اولاً احکام الهی اعم از وضعی و تکلیفی بر مبنای نفی ضرر بر مردم وضع گردیده و ثانیاً چنانچه شمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاصی موجب زیان بعضی توسط بعضی دیگر گردد، آن قوانین مرتفع اند). با عنایت به آنچه پیرامون قاعده یاد شده بیان گردید، استفاده از این قاعده در توجیه توسعه قلمروی کیفری به فساد در بخش خصوصی نیز می‌تواند مورد استناد قرار بگیرد چرا که فساد در این بخش نیز به دلیل آثار سوئی و مضراتی که می‌تواند علیه جامعه و مردم به دنبال داشته باشد، نیازمند جبران هستند و با جرم‌انگاری و پیش‌بینی مجازات در هر دو جنبه خصوصی و عمومی می‌توان هم نسبت به جامعه و هم نسبت به مردم سازکارهای ترمیمی و جبرانی به‌کار گرفت (همان: ۱۵۱).

بند سوم: التزام به اصل شفافیت در قوانین کیفری مرتبط

قوانین کیفری مرتبط با فساد به‌ویژه قوانین کیفری مرتبط با فساد در بخش خصوصی از اصل شفافیت برخوردار نیست. این نقص هم به حوزه نهادهای قانون‌گذاری، هم در حوزه شمول این قوانین به بخش خصوصی و هم در ارتباط با ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده مشهود است. از همین‌رو، التزام به شفافیت را نیز می‌تواند مبنایی توجیهی در ارتباط با ضرورت توسعه قوانین کیفری به بخش خصوص قلمداد نمود. در مورد چرایی التزام به شفافیت در بخش خصوصی گفته شده است؛ شفافیت یکی از روش‌هایی است که امروزه در جوامع مرفعی، برای پیشگیری و مقابله با فساد و جرایم اقتصادی از آن بهره می‌گیرند. نبود شفافیت امکان سوءاستفاده توسط مقامات را افزایش می‌دهد و قدرت نظارت مردم که به مثابه یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری از جرایم اقتصادی است، کاهش می‌دهد. بنابراین افزایش میزان شفافیت، عاملی مؤثر در زمینه رقابت سالم در فضای اقتصادی است که با الزام مسئولان به گزارش‌دهی، از ایجاد امکان سوءاستفاده و به دنبال آن وقوع جرایم اقتصادی از جمله رانت و پدیده‌هایی همچون آقازادگی پیشگیری می‌کند. نظام حقوق کیفری که بازوی اجرای عدالت در حکومت‌ها محسوب می‌شود، با ایفای نقش فعال از به خطر افتادن نظم، عدالت اجتماعی و شفافیت در جامعه از طریق سیاست‌گذاری و حمایت

کیفری از شفافیت اطلاعات در نظام اقتصادی پیشگیری کرده و در صورت بروز، برخوردی شایسته و کارآمد می‌کند. اصل شفافیت به عنوان اصلی استوار و غیرقابل ایراد در حقوق کسب و کار، با هدف تنظیم بازار و مراودات بازرگانی و تجاری در هر دو بخش دولتی و خصوصی شکل گرفته است. قاعده افشاگری در حقوق کیفری کسب و کار نیز از این اصل نشأت می‌گیرد. نتیجه اینکه، شفافیت اصلی نیست که تنها معطوف و محدود به بخش دولتی شده و تنها در ارتباط با آن مورد توجه قرار بگیرد بلکه این اصل به‌ویژه در بخش خصوصی که با قوانین و مقررات مبهمی مواجه بوده و در خصوص شمول قوانین کیفری به این بخش با خلاءهای متعددی مواجه می‌باشد، از ضرورت‌های بدیهی محسوب می‌شود. بنابراین مستند به این اصل، ضرورت دارد که با توسعه قلمروی کیفری قوانین به فساد در بخش خصوصی این خلاءها رفع و سایر ایرادات ماهوی و شکلی قوانین مرتفع گردد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹۵).

بند چهارم: عمل به تعهدات بین‌المللی

عمل به تعهدات بین‌المللی به عنوان یکی از بارزترین دلایل برای توجیه و ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی است. با توجه به اینکه امروزه فساد مختص به کشور یا منطقه‌ای خاص نبوده، بلکه پدیده‌ای است فراملی که پیامدهای آن کلیه جوامع و اقتصادها را تحت‌الشعاع خود قرار داده، مبارزه و پیشگیری از آن، همکاری وسیع بین‌المللی را نیز می‌طلبد. البته مسأله همکاری بین‌المللی در مبارزه با فساد مطلب تازه‌ای نیست و وجود معاهدات متعددی بر پایه استرداد مجرمان یا معاضدت قضایی در سطح دو جانبه و گاه منطقه‌ای نشان دهنده عزم دولت‌ها برای مبارزه با فساد است. از اسناد منطقه‌ای که در جهت مبارزه با فساد به تصویب رسیده می‌توان به موارد همچون؛ کنوانسیون حمایت از منافع مالی جامعه اروپا (۱۹۹۵)، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حمایت از منافع مالی جامعه اروپا (۱۹۹۶)، پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون حمایت از منافع مالی جامعه اروپا (۱۹۹۷)، کنوانسیون آفریقایی برای پیشگیری و مبارزه با فساد (۲۰۰۲)، کنوانسیون حقوق مدنی مبارزه با فساد شورای اروپا (۱۹۹۹)، کنوانسیون حقوق کیفری مبارزه با فساد شورای اروپا (۱۹۹۸)، کنوانسیون راجع به مبارزه با فساد کارگزاران جامعه اروپایی یا

کارگزاران کشورهای عضو اتحادیه اروپا (۱۹۹۸)، پروتکل الحاقی جامعه اقتصادی کشورها آفریقای غربی درباره مبارزه با فساد (۲۰۰۱)، کنوانسیون کشورهای امریکایی برای مبارزه با فساد (۱۹۹۶) و کنوانسیون راجع به مبارزه با ارتشای مقامات دولتی خارجی در مبادلات تجاری بین‌المللی (۱۹۹۷) اشاره نمود و از اسناد بین‌المللی نیز می‌توان به کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد (۲۰۰۳)، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی (۲۰۰۰)، اعلامیه ملل متحد برای مبارزه با فساد و ارتشا در مبادلات تجاری بین‌المللی (۱۹۹۶) و قواعد رفتاری بین‌المللی مقامات عمومی (۱۹۹۶) اشاره نمود.

از بین این اسناد دو سند که به مریدا و پالرمو معروفند در مبارزه با فساد و جرایم سازمان یافته نقش موثرتری داشته و بسیاری از دولت‌ها ضمن الحاق به این اسناد، توصیه‌های این دو سند را در مبارزه با فساد در بخش‌های دولتی و خصوصی از جمله جرم‌انگاری برخی از مصادیق فساد در بخش خصوصی در قوانین خود وارد کرده‌اند. بدین ترتیب، در عرصه بین‌المللی، سازمان ملل متحد با بهره‌گیری از نهادهای تخصصی خود دو سند بین‌المللی مهم مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی موسوم به کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰) و مبارزه با فساد مالی معروف به کنوانسیون مریدا (۲۰۰۳) تصویب نموده که این اسناد به خصوص مریدا حاوی نوآوری‌هایی چه در سطح ملی (دست کم برای پاره‌ای از نظام‌های حقوقی مانند ایران در زمینه مسائلی مانند ۱- تسری شمولیت مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی، ۲- توصیه به جرم‌انگاری ارتشا و اختلاس در بخش خصوصی، ۳- حمایت از شهود، کارشناسان و گزارش دهندگان فساد مالی و ...) و چه در سطح بین‌المللی برای همکاری گسترده دولت‌ها در ابعاد مختلف علمی، فنی و قضایی می‌باشد. در اسناد بین‌المللی، اغلب تفکیکی بین بخش خصوصی و دولتی در جرم‌انگاری رفتارهای غیرقانونی از جمله ارتشاء، اختلاس، سوءاستفاده از مقام و ... نشده است اما در حقوق کیفری داخلی از جمله شرایط تحقق چنین جرایمی وصف کارمند دولت بودن مرتکب آنهاست. بنابراین یکی از مبانی اصلی توسعه جرم‌انگاری به بخش خصوصی، عمل به تعهدات بین‌المللی و به ویژه با الحاق جمهوری اسلامی ایران به این اسناد است. بدین ترتیب؛ یکی از اقدامات مؤثر بین‌المللی برای مقابله با فساد اداری و مالی، تصویب

کنوانسیون مریدا (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب سال ۲۰۰۳ سازمان ملل) است. این سند زمینه یک همکاری بین‌المللی برای مبارزه و پیشگیری از فساد را فراهم نموده است. تصویب این کنوانسیون توسط مقنن ایران در تاریخ ۲۰/ ۸/ ۱۳۸۷ الزاماتی را ایجاد نموده است، زیرا در این کنوانسیون جرم‌انگاری‌های جدیدی صورت پذیرفته و به دولت‌های عضو تکلیف شده است. تطبیق جرایم جدید بررسی شده در کنوانسیون با حقوق کیفری ایران نشان می‌دهد که یا اصلاً جرایمی با عناوین یاد شده در کنوانسیون، در قانون کیفری ایران وجود ندارد یا تحت عنوان دیگری، جرم‌انگاری شده است و یا قانون کیفری ایران قسمتی از آن جرم را و نه به‌طور کامل مورد توجه قرار داده و به بخش خصوصی تسری نیافته است. به دنبال تلاش‌های بین‌المللی و عضویت ایران به کنوانسیون مریدا، در حقوق داخلی نیز، می‌توان یکی از اقدامات مؤثر قانون‌گذار در زمینه مبارزه با فساد اداری را تصویب «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد» دانست که دارای ماده ۳۵ و ۲۸ تبصره است و در سال ۱۳۸۷ به صورت آزمایشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۷/ ۸/ ۱۳۹۰ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصالح نظام تشخیص داده شد و آئین‌نامه‌های اجرای آن یکی پس از دیگری تدوین و به تصویب رسیده است که می‌توان به آئین‌نامه اجرایی مصوب ۱۵/ ۴/ ۱۳۹۳ در خصوص ماده ۲۶ و آئین‌نامه اجرایی مصوب ۲۵/ ۴/ ۱۳۹۲ در خصوص تبصره ۴ ماده ۶ قانون مذکور اشاره کرد. فصل اول این قانون، به تعاریف و اشخاص مشمول قانون پرداخته و فصل دوم آن که اساسی‌ترین فصل این قانون و اداری مواد قانونی فراوانی است، به موضوع پیشگیری اختصاص داده شده است. در فصل اخیرالذکر، تکالیف دستگاه‌ها در امر پیشگیری و مقابله با فساد اداری به صورت مبسوط بیان شده است. با توجه به ماهیت فرابخشی کنوانسیون و به منظور تضمین حسن اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران ذیل کنوانسیون و تضمین بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در مقابله با فساد در کشور، هیات وزیران در تاریخ ۲۴/ ۱۲/ ۸۸، وزارت دادگستری را به‌عنوان مرجع ملی کنوانسیون مذکور تعیین نمود. از آن تاریخ تاکنون، وزارت دادگستری اقدامات گسترده‌ای جهت اجرای تعهدات جمهوری اسلامی ایران ذیل کنوانسیون و ظرفیت‌سازی در دستگاه‌های داخلی برای

بهره‌گیری از مفاد کنوانسیون و نهادهای مربوط به آن به عمل آورده است. ضمناً وزارت دادگستری به عنوان مرجع ملی کنوانسیون مبارزه با فساد تلاش کرده است تا با بررسی و اظهار نظر راجع به اسناد بین‌المللی و حضور فعال در نشست‌های بین‌المللی، حضور کشورمان در هنجارسازی بین‌المللی در حوزه مبارزه با فساد در بخش خصوصی را نیز تقویت نماید (آقابابایی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

همان‌گونه که بیان شد، فساد از منظر اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون مریدا و پالرمو، تنها محدود به بخش دولتی نشده و بخش خصوصی را نیز در بر گرفته است. بنابراین دولت‌ها ضمن اینکه متعهد به جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی هستند، در راستای مقابله با فساد در این بخش ملزم به همکاری‌های بین‌المللی نیز بوده و موظف هستند در عمل به این تعهدات، بدون توجه به بخشی که فساد ارتکاب یافته با همدیگر همکاری نمایند. بدین ترتیب می‌توان یکی از مبانی توجیهی ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی را عمل به تعهدات بین‌المللی نام برد.

رابطه بین فساد در بخش خصوصی و امنیت حقوقی

با عنایت به قوانین و مقررات جاری که برخی از مهم‌ترین آنها نیز مورد مطالعه قرار گرفت می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران قانون خاصی که تنها به فساد در بخش خصوصی و جرم‌انگاری مصادیقی از رفتارهای مجرمانه در بخش خصوصی اختصاص یافته باشد یافت نشد. لذا تنها با رجوع به قوانین عام جزایی و برخی از قوانین خاصی که به صورت کلی فساد را جرم‌انگاری کرده می‌توان مستنداتی را در این خصوص پیدا کرد. در این بین قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ اصلی‌ترین منبع قانونی محسوب می‌شود. مقنن در این قانون با توجه به الزامات ناشی از پیوستن جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد ضمن ارایه‌ی تعریف مصادیقی از فساد که هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی وجود دارند بیان کرده است. ماهیت پویای فساد و صور مختلف آن به قانون‌گذار اجازه نداده که بتواند فساد را به عنوان یک جرم که عناصر مادی و قانونی و مجازات معینی دارد تعریف نماید ضعف این تعریف در همین جا روشن است؛ مصادیق آن هم در این قانون حصری نیستند و از سایر قوانین

جزایی برگرفته شده‌اند با رجوع به قوانین جزایی متوجه می‌شویم که در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران تعدادی از مصادیق مجرمانه‌ی کنوانسیون مبارزه با فساد از قبیل رشاء، ارتشاء و اختلاس در بخش خصوصی را جرم‌انگاری نکرده است. از سوی دیگر امنیت حقوقی، مقوله‌ای بسیار مهم در یک نظام حقوقی است. هرچند مسئله «امنیت حقوقی» مفروض یک نظام حقوقی است که دارای جامعه منحصربه‌فرد خویش است، با این حال، تا حد زیادی چالش‌ها و نقدها به وجود «امنیت حقوقی» در حقوق بین‌الملل شایان توجه است، ولی این مسئله مانع از این نیست که «امنیت حقوقی» در بعد قاعده‌ای و بعد ساختاری در این نظام مفقود باشد. اصل دخالت دولت و لزوم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری آن در عرصه اقتصاد و فرهنگ و سیاست و سایر عرصه‌ها بدیهی به نظر می‌رسد، اما چنانچه این مداخله با رعایت موازین و قواعد حقوقی و با اعمال دقت و ظرافت ویژه صورت نپذیرد، آثار منفی جبران‌ناپذیری در کشور خواهد داشت. یکی از اصول اجرایی در این‌گونه مداخلات، تأمین اصل امنیت حقوقی فعالان حزه‌ای مختلف اقتصادی و سرمایه‌گذاران و اجتماعی و سیاسی و ... است. این اصل که یکی از اصول بنیادین حقوق اداری و اقتصادی است، مبین پیش‌بینی‌پذیر بودن و قابل اتکا بودن تصمیمات اداری است؛ به گونه‌ای که شهروندان قادر باشند با اطمینان خاطر به نهادهای دولتی اتکا کرده و برای زندگی خویش برنامه‌ریزی کنند. این مهم در صورت تحقق می‌تواند به اعتماد همه اقشار جامعه به دولت شود. ارکان اصل امنیت حقوقی، انتظار مشروع، عطف به‌ماسبق نشدن تصمیمات اداری، رعایت مهلت معقول و انتشار و شفافیت مقررات دولتی است. در نظام حقوقی ایران برخی از این شاخصه‌ها از سوی مقنن یا مراجع قضایی به رسمیت شناخته می‌شوند، اما عملاً در بسیاری از موارد این اصل و ارکان آن مهجور و مغفول‌اند. از جمله موارد مغفول مانده همین بحث فساد در بخش خصوصی است. همان‌گونه که عنوان شد در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران تعدادی از مصادیق مجرمانه‌ی کنوانسیون مبارزه با فساد از قبیل رشاء، ارتشاء و اختلاس در بخش خصوصی جرم‌انگاری نشده است و این عدم جرم‌انگاری به طور قطع امنیت حقوقی شهروندان و کشور را با مخاطره مواجه می‌کند و می‌تواند بر امنیت حقوقی تأثیرگذار باشد. بنابراین

توسعه جرایم مرتبط با فساد از بخش دولتی و نظام حقوق دولتی کشور باید به بخش خصوصی نیز منتقل گردد تا امنیت حقوقی شهروندان و کشور بیشتر از پیش تأمین و آن را با مخاطه مواجهه نکند (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۹).

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

اصل امنیت حقوقی به گونه‌ای گسترده در علم حقوق و نیز بحث‌های سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر عکس، شناخت نسبت بدان در متون قانونی و رویه قضایی بسیار محدود است. و عوامل تاثیرگذار بر آن نیز کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. باید توجه داشت که اصل امنیت حقوقی جایگاهی برجسته در نظام های حقوقی دارا بوده و رکن اساسی دولت حقوقی می باشد. به عبارت دیگر، یکی از الزام‌های دولتی که در چارچوب حقوق محصور باشد (دولت حقوقی)، وجود امنیت حقوقی برای همه است. در نتیجه، مانند دیگر عناصر متشکله دولت حقوقی، این اصل نیز در قوانین اساسی تضمین شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از معدود قوانین اساسی می‌باشد که اصل امنیت حقوقی به صراحت در آن تضمین شده است. بند ۱۴ اصل ۳ این قانون یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران را تأمین حقوق همه جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند. در گستره‌ی امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مدعای ما این است که اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت انسانی را در مفهومی گسترده تضمین نموده است. این اصل حوزه‌های گوناگونی زمینه‌ی برخورداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین را در بر می‌گیرد. در اصل ۲۲ حریم خصوصی (شامل مسکن)، امنیت حقوقی (تضمین حقوق) و امنیت شخصی (امنیت جسمانی، مالی و معنوی) در کنار یکدیگر از سوی قوه موسس تضمین شده‌اند. یکی از عواملی که می‌تواند بر آن تاثیرگذار باشد وجود فساد در کشور از جمله در بخش خصوصی بوده و اگر قوانین مرتبط با آن مدقن و کامل نباشد می‌تواند امنیت حقوقی را به خطر بیندازد و نظام قضایی نتواند امنیت حقوقی کشور را تأمین کند. همچنین بر خلاف اسناد بین‌المللی و قوانین برخی از کشورهای پیش‌رو، جرم‌انگاری‌های پیرامون فساد در قوانین داخلی، بیشتر به بخش دولتی مربوط بوده و با پیش‌بینی شرایطی

نظیر «مامور دولت بودن» امکان توسعه آن‌ها به بخش خصوصی وجود ندارد. همین خلاء قانونی موجب شده تا کنترل و مبارزه با فساد در بخش خصوصی با شکست مواجه شده و عده‌ای با علم و آگاهی از این خلاء مرتکب فساد در سطح گسترده‌ای گردند.

در خصوص مسئله بررسی نحوه توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی می‌توان گفت در بررسی و تطبیق مفاد اسناد بین‌المللی و قوانین برخی از کشورها با قوانین کیفری داخلی، مشخص شد که اغلب جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی که در اسناد بین‌المللی یا قوانین دیگر کشورها به آن‌ها تصریح شده در قوانین جزایی ایران پیش‌بینی نشده‌اند و یا قسمتی از آن مشمول جرم‌انگاری قرار گرفته است، که در هر صورت برای مبارزه مؤثر با پدیده فساد در تمام اشکال آن لازم است که در سیاست جنایی ایران این تحولات صورت گیرد و جرم‌انگاری‌های جدید نه تنها مغایرتی با قانون اساسی و مبانی فقهی ندارد، بلکه قوانین کیفری ایران را در رابطه با جرائم فساد به‌ویژه در بخش خصوصی را تکمیل خواهد کرد.

۶. نتیجه‌گیری

همواره جرایم مرتبط با فساد همواره در دستگاه‌های قضایی و حقوقی مورد بحث و بررسی بوده و این مسئله امنیت حقوقی کشور را به مخاطره می‌اندازد. امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است که در تمامی نظام‌های حقوقی مورد استناد قرار می‌گیرد. ریشه‌ی این اصل به ویژگی‌هایی از نظام حقوقی مانند ثبات نظام حقوقی و تضمین حمایت دائمی از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان، قطعیت قواعد موجود در آن نظام و ایجاد اعتماد به نظام حقوقی باز می‌گردد. از جمله مسائلی که منجر به خدشه دار شدن و ضعف در امنیت حقوقی می‌گردد فساد در اشکال مختلف آن می‌باشد. فساد و مبارزه با آن با توجه به نقش آن در امنیت حقوقی امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان به عنوان یک مسئله اساسی در بخش خصوصی و عمومی مورد نظر است. از این‌رو توجه بیشتر به پیشگیری و مبارزه با فساد در بخش خصوصی بیش از گذشته اقتضا دارد در حالی که قلمرو جرایم مرتبط با فساد در نظام حقوقی ایران مرتبط با بخش عمومی بوده و به بخش

خصوصی توجه نشده است و این می‌تواند منجر به ایجاد مخاطره برای امنیت حقوقی کشور باشد.

از سوی دیگر در طی سال‌های اخیر گسترش فعالیت‌های اقتصادی و سیر صعودی اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، از جمله واگذاری مالکیت عمومی به بخش خصوصی و افزایش فعالیت شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، اگرچه گامی مثبت تلقی شده ولی از منظر سیاست جنایی تقنینی با خلاءهایی همراه است. قوانین مرتبط با فساد و جرایم اقتصادی، با توجه به تعاریف و ارکانی که برای تشکیل آن‌ها بیان گردیده، اغلب محدود به بخش دولتی بوده و این جرایم در صورت ارتکاب در بخش خصوصی و توسط کارکنان یا کارگران بخش خصوصی جرم‌انگاری نشده است. با توجه به گسترش بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی، می‌طلبد تا در سیاست جنایی تقنینی، بازبینی‌هایی صورت بگیرد. بنابراین؛ توسعه جرم‌انگاری فساد و جرایم اقتصادی به این بخش از الزامات اساسی بوده و علاوه بر دلایلی همچون گسترش روزافزون بخش خصوصی و تبدیل بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی به خصوصی، در اسناد بین‌المللی نیز به آن‌ها تاکید شده و کشورها به جرم‌انگاری چنین رفتارهایی در بخش خصوصی توصیه شده‌اند. نتیجه اینکه؛ جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی و توسعه قلمروی حقوق کیفری در این حوزه ضرورت داشته و رهیافت‌هایی همچون حفظ کرامت انسانی، اخلاق‌گرایی، کمال‌گرایی، حکمرانی خوب، حکومت قانون، قاعده لاضرر، اصل شفافیت و ... از جمله دلایل توجیهی برای ضرورت جرم‌انگاری فساد در بخش خصوصی محسوب می‌شوند. منظور از توسعه قلمرو جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی، پیش‌بینی اقدامات پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری باشد. و با توجه به واگذاری بیشتر صنایع و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی و افزایش نقش آن‌ها در اقتصاد کشور و همچنین تسری جرم‌انگاری به فساد در بخش خصوصی در اسناد بین‌المللی و قوانین کشورهای پیش‌رو، ضروری باشد که اقدامات تقنینی کیفری در ایران نیز در حوزه توسعه قلمروی جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی مورد توجه قرار بگیرد. همچنین عدم توسعه قلمرو جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی می‌تواند منجر به سوءاستفاده اشخاص شاغل در بخش‌های خصوصی، بی‌اعتمادی به حاکمیت،

زیرسوال رفتن مشروعیت نظام، اختلال در نظام اقتصادی و ... شود. بر اساس بررسی‌های انجام شده از قوانین کیفری و مدنی در ایران جرایم مرتبط با فساد در بخش خصوصی یکی از مهم‌ترین مسائل مغفول مانده در نظام حقوقی کشور می باشد که بشدت می‌تواند امنیت حقوقی کشور را با مخاطره روبه رو سازد. بر این اساس می‌توان گفت که نبود قوانین و مقررات مرتبط با فساد در بخش خصوصی بویژه در برخی از جرایم مهم و اساسی مانند رشاء، ارتشاء و اختلاس و عدم جرم‌انگاری آن بر کاهش امنیت حقوقی کشور تاثیرگذار است و لازمه این مسئله توسعه قوانین و مقررات کلیه جرایم در بخش عمومی و دولتی به بخش خصوصی است تا امنیت پایدار حقوقی در کشور فراهم گردد.

پیشنهاد

۱. نتایج تحقیق در اختیار سایر پژوهشگران در این حوزه به‌منظور استفاده به عنوان پیشینه تحقیقاتی و گسترش مبانی مرتبط با فساد در بخش خصوصی در منابع علمی قرار گیرد.
۲. نتایج تحقیق به‌منظور کاربردی شدن و هرگونه بهره‌برداری به دستگاه‌های قضایی و نهادهای دانشگاهی در کشور ارسال گردد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آقابابایی، حسین (۱۳۹۶). راهبردهای جدید سیاست جنایی در مبارزه با فساد با تأکید بر جرایم ارتشاء و اختلاس، نامه حقوقی، شماره ۶۱، جلد ۳، تهران
- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۹). جرایم مرتبط با فساد اقتصادی و توسعه اقتصادی و امنیت کشور. تهران، چاپ اول، انتشارات آگاه.
- ابراهیمی، رضا (۱۳۹۹). بررسی تاثیر جرایم مرتبط با فساد اقتصادی بر توسعه اقتصادی و امنیت کشور، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران.
- ابراهیمی، سعید و صادق نژاد، محمد (۱۳۹۲). تحلیل جرم شناختی جرایم اقتصادی مرتبط با فساد در بخش خصوصی، رساله دوره دکتری دانشگاه علامه طباطبایی تهران، تهران.

- تانزی، علی (۱۳۸۷). زنده باد فساد (جامعه شناسی سیاسی فساد در دولت های جهان سوم)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، تهران.
- جعفرپور، رضا (۱۳۹۴). درآمدی بر نظریه های مدیریت دولتی، تهران، چاپ اول، انتشارات سمت
- جلالی، حسین و رهگشا، امیرحسین و پاک نهاد، امیر (۱۳۹۹). راهبردهای سیاست کیفری تقنینی در حمایت از خصوصی سازی و توسعه اقتصادی، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۱)، تهران
- حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۸۹). ارکان تشکیل دهنده عنصر روانی معاونت در حقوق کیفری، پژوهشنامه حقوق کیفری سال سیزدهم پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره ۲ (پیاپی ۲۶)
- حسینی هاشم زاده، داود و حبیبی، لیلی و آقا جعفری، مهدیه (۱۳۹۳). بررسی علت های قانونی - قضایی فساد و ارزیابی وضعیت راهبردهای قانونی - قضایی برای مبارزه با فساد، فصلنامه نظارت و بازرسی، سال هشتم، شماره ۲۸، تهران.
- دبیرزاده، حسین (۱۳۹۸). حکمرانی خوب به مثابه الگویی برای مبارزه با فساد و ارتقا سلامت اداری در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی به راهنمایی دکتر احمد رشیدی دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه مازندران.
- عادل، اسحاق (۱۴۰۰). مستندات عام بر جرم انگاری جرایم اقتصادی از منظر فقه اهل بیت، دو فصلنامه یافته های فقه قضایی، شماره ۲، تهران
- عباس زادگان، فرهاد (1395). رهبردهای قوای سه گانه جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با فساد، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۸، شماره ۳۰.
- عطریان، محمد علی (۱۳۹۶). عوامل موثر بر امنیت حقوقی به جرایم مرتبط با فساد مالی، نشر آراد، چاپ اول، تهران
- محمدی، محمد علی (۱۳۹۰). « مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش. ۲۵۲-۲۵۱.
- محمد نبی، علی (۱۳۸۰). فساد در دستگاه های اداری، مبانی و رویکردها، انتشارات زعیم، تهران
- مسرور، فاطمه و ناصری مقدم، حسین و فخلمی، محمد تقی (۱۴۰۰). تبیین جایگاه رفتار ناقض حق کرامت در جرم انگاری، پژوهش های اخلاقی، شماره ۳، تهران.
- نجفی ایرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۴۰۱). دانشنامه جرم شناسی، چاپ ششم، انتشارات گنج، تهران.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). « امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی»، راهبرد، ش. ۵۸.

ب. منابع انگلیسی

- Fromont, Michel(2018). Le principe de sécurité juridique , Actualité Juridique de Droit Administratif, n° spécial, 20 juin 2018,175.
- Heode. G(2002)Corporate integrity: rethinking, rganizational ethics and Leadersh , Cambridge university press.
- Mathieu, Bertrand,(2017). Constitution et sécurité juridique, France, Annuaire Internationale de la Justice Constitutionnelle, n° 6,153.
- Razakerman, f (2002). The right to good administration in the light ofArticle 41 of the charter of fundamental rights of the european union, Contemporary Legal and Economic Issues. Vol. 3.